

**از پا افتاده‏ ام؛**

**از بس که کنار هر جنازه صدچاک زانو زدم و نشانی از تو ندیدم.**

**بعد از آن همه آوارگی و اسارت و در به دری، برایم رمقی نمانده که میان سر و تن از هم جدایت، سعی میان صفا ومروه کنم.**

**خودت را به من نشان بده، ای بی‏ نشانه ‏ترین!**

**روا مدار که زینب علیهاالسلام با این پای پر آبله و قامت خمیده، در میان کشته‏ های نینوا بچرخد و زمین بخورد و تو رانیابد.**

**با من باز گو، تو را چگونه بازشناسم ای غریب‏ ترین آشنا!**

